



Explaining the theory of social and spatial justice in the Islamic city

Behzad Omranzadeh *

Assistant Professor, Iranian Islamic City Center, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Received: 2023/12/25

Accepted: 2024/07/28

Abstract

The Islamic city is one that embodies the principles and values of Islam, providing the conditions necessary for realizing an Islamic lifestyle. This embodiment manifests in various forms across different regions and climates. In this context, the fundamental Islamic principle that should be realized in the social life of Muslims and within the urban environment is the principle of justice. The primary aim of this research is to develop a scientific theory based on Islamic sources regarding social and spatial justice as one of the pillars of the Islamic city or the ideal city in Islam. This is approached through the production of indigenous and Islamic knowledge in urban management and planning, utilizing grounded theory methodology. Ultimately, this research seeks to contribute, however modestly, to the theoretical foundations of the Islamic-Iranian city, guiding the pursuit of an Islamic-Iranian model of progress.

The findings of this research reveal significant foundations that provide a precise definition of social and spatial justice, elaborating on the dimensions of this concept—including principles, criteria, and consequences—within a conceptual model. This model offers a comprehensive explanation of the current state of injustice and the process of achieving social and spatial justice in society.

For instance, based on the results of this research, the definition of social and spatial justice is the “entitlement” of citizens regarding the distribution of services and resources, achieved by “placing everything in its rightful position” based on principles of “equality,” “public benefit,” and “equal access” to “public rights,” while recognizing “inequality” in “acquired rights” in human settlements. Based on this definition and the reviewed sources, the principles of social and spatial justice include: Public benefit in public affairs, Equality in public law, Equal access to public services, Inequality in individual-social acquired rights. The criteria for social and spatial justice are: Membership, Need, Performance, Value of action, Time and place requirements.

Keywords:

Islamic city

Social justice

Spatial justice theory

Grounded theory


Data-based theorizing

© 2024 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Citation: Omranzadeh B. (2024). Explaining the theory of social and spatial justice in the Islamic city. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 12 (3): 76-97.

 [10.61186/jria.12.3.5](https://doi.org/10.61186/jria.12.3.5)

* **Corresponding Author:** omranzadeh@ihu.ac.ir



تبیین نظریه عدالت اجتماعی و فضایی در شهر اسلامی

بهزاد عمران زاده *

استادیار، مرکز شهر اسلامی-ایرانی، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

چکیده

شهر اسلامی، شهری است که حاصل عینیت اصول و ارزش‌های اسلامی باشد تا بتواند بستر و شرایط تحقق سبک زندگی اسلامی را فراهم نماید، عینیتی که در مناطق و اقلیم‌های مختلف صورت‌های مختلفی را به نمایش می‌گذارد. در همین ارتباط اصلی‌ترین اصل و ارزش اسلامی که شایسته است در زندگی اجتماعی مسلمانان و در بستر شهر محقق شود، اصل عدالت است.

هدف اصلی پژوهش حاضر با رویکرد تولید علم بومی و اسلامی در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (گراندد تئوری)، دستیابی به نظریه علمی از منابع دین اسلام در خصوص عدالت اجتماعی و فضایی به عنوان یکی از ارکان شهر اسلامی یا شهر آرمانی اسلام می‌باشد؛ تا در نهایت گامی باشد، هر چند کوچک در تدوین مبانی نظری شهر اسلامی-ایرانی در مسیر دستیابی به الگوی اسلامی-ایرانی از پیشرفت.

نتیجه پژوهش حاضر، نشان‌دهنده دستیابی به مبانی قابل توجهی است که ضمن ارائه تعریف دقیقی از عدالت اجتماعی و فضایی و تشریح ابعاد این مفهوم اعم از اصول، معیارها و پیامدها و... در قالب مدل مفهومی ارائه شده، تبیین خوبی از وضعیت بی عدالتی و فرایند تحقق عدالت اجتماعی و فضایی در جامعه ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، عدالت اجتماعی، نظریه عدالت فضایی، گراندد تئوری، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

ارجاع به مقاله: عمران زاده بهزاد. (۱۴۰۳). تبیین نظریه عدالت اجتماعی و فضایی در شهر اسلامی، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۲ (۳): ۷۶-۹۷.

doi [10.61186/jria.12.3.5](https://doi.org/10.61186/jria.12.3.5)

* نویسنده مسئول: omranzadeh@ihu.ac.ir

۱. مقدمه

تحول در حوزه علوم انسانی و تولید دانش بومی جهت دستیابی به مبانی، روش‌ها، فرایندها، ساختارها و در نهایت فناوری‌های متناسب با آرمان‌ها، ارزش‌ها و آمال مکتبی، اصلی‌ترین مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که امکان ظهور حیات متفاوتی را ترسیم می‌کند. از طرف دیگر، شهرها از آن جهت که در شکل‌گیری تمدن‌ها و عینیت مظاهر تمدنی جایگاه ویژه‌ای دارند، دارای اولویت در قرارگیری در محور اندیشه‌ورزی و تحول با رویکرد تمدنی هستند. به‌ویژه این‌که، امروزه شهرها با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. مسائل و مشکلاتی که با وجود تلاش‌های فراوان هم‌چنان پابرجا و لاینحل باقی مانده‌اند، به نحوی که با گسترش روزافزون شهرها و افزایش جمعیت آن‌ها ابعاد این مسائل و مشکلات نیز روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

یکی از ریشه‌ها و علل اساسی عدم کارآمدی طرح‌ها و رویکردهای ارائه شده در حل مسائل موجود مبادی غیربومی و نامتناسب با شرایط بومی و ملی کشور در این طرح‌ها می‌باشد. به نحوی که هم بنیان‌های نظری این طرح‌ها و ایده‌ها با بنیان‌های نظری و معرفت‌شناسی جامعه ما تناسب ندارد؛ و هم تناسب شرایط اجتماعی، سیاسی، و به‌ویژه فرهنگی جامعه ایران با شرایطی که این طرح‌ها و ایده‌ها در بستر آن شکل گرفته‌اند، بسیار متفاوت می‌باشد.

بر همین اساس، جهت رفع بنیادین معضلات و مسائل شهری، بهتر است در کنار تمامی دیدگاه‌های موجود، از منظر مکتب اسلام و مبانی اسلامی نیز به این مسائل نگریسته شده و با نقد مبانی موضوعی شکل‌گیری شهرهای موجود به پی‌ریزی بنیادها و مبانی مبتنی بر شهر اسلامی و شاکله‌ی کلی آن پرداخته شود.

البته باید اذعان کرد که بالغ بر یک قرن می‌باشد که مقوله‌ی شهر اسلامی به صورت نظام‌مند، با اهداف گوناگون مورد توجه علاقه‌مندان، اندیشمندان و پژوهشگران مختلف قرار گرفته‌است. پژوهش‌های متعدد و متنوعی که طی صدسال اخیر در زمینه‌ی «شهراسلامی» صورت گرفته است، باعث انباشتگی حجم زیادی از متون تئوریک گردیده است که دیدگاه‌ها و نظرات ارائه شده در آن‌ها، دارای تعدد، تنوع و گاه تناقض و اختلاف فاحشی باهم‌دیگر هستند؛ از جمله پژوهش‌ها می‌توان به ماسینیون (ماسینیون^۱ ۱۹۲۰) و برادران ماری (مارسی، دابلیو^۲ ۱۹۴۷؛ ماری، جی^۳ ۱۹۳۷)، و نظرات له‌تورنه (له‌تورنه^۴ و پای^۵ ۱۹۳۵)، برونشویگ (برونشویگ^۶ ۱۹۴۷)، لاپیدوس (لاپیدوس^۷ ۱۹۶۷؛ ۱۹۷۳)، ابولو قد (ابولو قد^۸ ۱۹۸۷)، حکیم (حکیم ۱۳۸۱)، و ریموند (ریموند^۹ ۲۰۰۸) اشاره کرد که با

نگاه‌ها و رویکردهای عموماً شرق‌شناسانه و گاه متعارضی به موضوع شهر اسلامی پرداخته‌اند.

بنابراین، مشکل اصلی موجود در پیگیری رویکرد شهر اسلامی، فقدان مبانی نظری منسجم و متقن در مورد شهراسلامی می‌باشد. واقعیت این است که در زمینه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، مبانی و دانشی که متناسب با داشته‌های تاریخی، فرهنگی و محیط بومی کشور باشد، کمیاب است. به همین دلیل، در فضای چنین فقدان، این اندیشه‌ها و تفکرات وارداتی هستند که طی دهه‌ها و سده‌های اخیر شهرها و سکونتگاه‌های ما را شکل داده و می‌دهند؛ و در نتیجه انواع مسائل، مشکلات و چالش‌های شهرهای ما به‌صورت لاینحل پابرجا مانده‌اند.

موضوع شهر اسلامی، مسئله و موضوعی است که با وجود تلاش برخی از صاحب‌نظران و اساتید و پژوهشگران رشته‌های شهرسازی، معماری و برنامه‌ریزی شهری و پیگیری‌های صورت‌گرفته توسط برخی نهادهای اجرایی مرتبط و مسئول در حوزه‌ی شهر و برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، همچنان دارای ابهامات و سوالات متعددی است که پاسخ‌گویی دقیق و علمی به این سوال‌ها و رفع ابهام‌های موجود، نیازمند برنامه پژوهشی و علمی منسجم و همه‌جانبه‌ای است، که باید توسط اساتید و پژوهشگران صاحب فکر و نظر و با همکاری نهادهای اجرایی و علمی مرتبط به صورت عمیق و بنیادی در پیش گرفته شود.

بدیهی است که تلاش برای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی، اگر فارغ از نگاه انضمامی به مسائل روز شهرهای کشور باشد، ضمن توقف در وادی نظر، امکان ارتباط با میدان عمل را جهت ایجاد تحولات تمدنی از دست خواهد داد. بر همین اساس، از آن‌جایی که عدالت یکی از ارزش‌های بنیادین شهر و جامعه اسلامی است و از طرف دیگر فقدان عدالت و نابرابری، یکی از مسائل اساسی شهرهای ما می‌باشد، عدالت فضایی به‌عنوان وجهی از عدالت اجتماعی که ناظر بر شهر، مکان و توزیع‌های جغرافیایی است؛ موضوع نظروورزی پژوهش حاضر قرار گرفته است.

بر این اساس، نگارنده در مقاله حاضر به ارائه بخش اصلی نتیجه‌ی پژوهش خود در زمینه دستیابی به نظریه اسلامی در مورد عدالت اجتماعی و عدالت فضایی از منابع اسلامی مبادرت نموده است که از آن می‌توان به «نظریه عدالت فضایی اسلام» یا «نظریه عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام» تعبیر نمود.





و موسوی ۱۳۸۹؛ راهنما و ذبیحی ۱۳۹۰؛ وارثی، قائد رحمتی، و باستانی فر ۱۳۸۶؛ کامران، پریزادی و حسینی امینی ۱۳۸۹) یکی از مسائل و مشکلات اساسی موجود در کشور عدم تعادل در پراکنش فضایی برخوردارها در بین مناطق و نواحی مختلف شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها و بین شهرها و روستاها و مناطق مختلف، می‌باشد. در واقع یکی از مسائل و مشکلات موجود نابرابری و بی‌عدالتی در پراکنش خدمات و تسهیلات می‌باشد که از آن به فقدان عدالت فضایی تعبیر می‌گردد. این موضوع مسئله‌ای است که هم‌همی جوامع انسانی در هم‌همی کشورهای دنیا از کشورهای ظاهر تا توسعه‌یافته تا کشورهای عقب‌مانده با شدت و ضعف متفاوت، با آن مواجه هستند.

عدالت و عدالت اجتماعی، یکی از مفاهیم اصلی و ثابت در چارچوب تئوریک همه اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها و مکاتب مختلف از ادیان آسمانی چون اسلام و مسیحیت گرفته تا مکاتبی چون سوسیالیسم و لیبرالیسم ... می‌باشد که تعبیر، تعریف و تفسیر از آن در هر کدام از مکاتب و جهان‌بینی‌های عنوان شده در قالب انواع نظریه‌ها، متفاوت از دیگری بوده و به تبع آن عینیت فضایی آن نیز به اشکال و قالب‌های مختلفی ظهور و بروز پیدا کرده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین نظرات متفکرین اسلامی و غیر اسلامی در خصوص موضوع عدالت اشاره گردیده است.

۲. ادبیات نظری تحقیق

در عصر کنونی، بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تأکید دارند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی، فرهنگی و به‌طور کلی سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. بر این اساس، جهان‌شمول بودن بسیاری از تئوری‌ها، نه‌تنها در حوزه علم‌الاجتماع و علوم انسانی، بلکه در حوزه علوم فیزیکی و مادی نیز زیر سوال رفته است. در این میان، کشورهای اسلامی با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به تئوری‌های خاص خود نیاز دارند (دانایی‌فرد و مومنی ۱۳۷۸، ۷۸). واقعیت این‌است که در زمینه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، چنین مبانی و دانشی که متناسب با داشته‌های تاریخی، فرهنگی، و محیط بومی کشور باشد، کمیاب است. به همین دلیل، در فضای چنین فقدان، این اندیشه‌ها و تفکرات وارداتی هستند که طی دهه‌ها و سده اخیر شهرها و سکونتگاه‌های ما را شکل داده و می‌دهند؛ و در نتیجه انواع مسائل، مشکلات و چالش‌های شهرهای ما به‌صورت لاینحل پابرجا مانده‌اند.

با توجه به بررسی‌ها و پژوهش‌های متعدد صورت گرفته (از قبیل مرصوصی ۱۳۸۲؛ خاکپور ۱۳۸۵؛ بهروان ۱۳۸۵؛ جوان و عبدالهی ۱۳۸۷؛ داداش‌پور و رستمی ۱۳۹۰؛ ضرابی

جدول ۱. خلاصه نظریات متفکرین مختلف در مورد عدالت (مأخذ: عمرانزاده ۱۳۹۷، ۱۰-۱۲)

ردیف	نظریه پرداز	برداشت از عدالت	توضیح
۱	افلاطون	فضیلتی است که صفات دیگر را به وجود آورده و مادامی که با آن‌ها توأم باشد وسیله‌ی ایقا و محافظت آن‌هاست.	عدل عبارت است از تربیت سلسله‌مراتب اجزای نفس به نحوی که به حکم طبیعتشان بعضی تابع بعضی دیگر شوند.
۲	ارسطو	عدالت همان حد وسط بین افراط و تفریط است.	عدالت یعنی رفتار برابر با افراد برابر و رفتار نابرابر با افراد نابرابر تا جائی که به وجوه نابرابر آن‌ها مربوط می‌شود.
۳	هائز	عدالت همان حفظ و رعایت قرارها و قراردادهای اجتماعی است.	در وضع طبیعی که در آن دولتی نیست قانون، اخلاق، عدالت و انصاف معنایی ندارد. همه این مفاهیم به واسطه تشکیل دولت معنا می‌یابند یا به وجود می‌آیند.
۴	هیوم	عدالت امری صناعی و ساختگی و بر اساس قرارداد میباشد. و نفس این قوانین هر چه باشد به علت اینکه ویژگی سودمندی آن‌ها را همراهی می‌کند فضیلت است و تمایل به اطاعت از آن‌ها نیز فضیلت است.	هیچ انگیزه درونی ما را به عدالت و احترام به مالکیت دیگران و عدم سلب دارایی آنها دعوت نمی‌کند.
۵	رالز	نظر ایشان تحت عنوان عدالت انصافی است، به نظر وی در وضعیت اولیه که شرایط افراد نهایت اهمیت را دارد، اگر آزادی و برابری و انتخاب آگاهانه و غیراجباری را در نظر بگیریم، در نتیجه هر آنچه که افراد بر آن توافق کنند عادلانه خواهد بود.	وضعیت اولیه وضعیتی است که در آن، انسان‌ها در حالت بی‌خبری و غفلت از منافع خود به سر می‌برند.
۶	فرازی	عدالت به معنای تقسیم خیرات و خوبی‌ها میان اهل مدینه فاضله با تحکم و تحفظ بر اصل اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط است.	نظام احسن اجتماع آن نظامی است که با نظام خلقت جهان و نظام خلقت انسان متطابق و هماهنگ باشد و عدالت نیز عبارت از همین است.



ردیف	نظریه پرداز	برداشت از عدالت	توضیح
۷	ابن‌سینا	عدالت یعنی «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع کل شیء فی موضعه».	جامعه یکسان و بی‌طبقه و فاقد اختلاف و تمایز، که همه افراد آن در وضعیت یکسان و برابر باشند، سرنوشتی جز اضمحلال و نابودی ندارد، چه همه افراد این جامعه، مرفه و توانمند و غنی و مسرور و با قدرت باشند؛ و چه همگی در حال ناتوانی و فقر و ضعف به سر برند.
۸	خواجه نصیرالدین طوسی	عدالت کار ویژه دولت و حاصل عمل به قوانین برآمده از شرع است.	وی سیاست فاضله جاری در مدینه فاضله را از جنس امامت می‌شمرد و سیاست فاضله را همان سیاست امامت معرفی می‌کرد.
۹	غزالی	گاهی عدالت را حد وسط بین افراط و تفریط (همانند ارسطو) و گاهی آن را تعادل بین قوای مختلف نفس می‌داند (مانند افلاطون).	-
۱۰	ملاصدرا	انسان به حکم سرشت خویش خودخواه و سلطه‌گر است، و به همین دلیل به عدالت محتاج است، و اجرای اصول عدالت اجتماعی در گرو تأسیس حکومت و قدرت سیاسی می‌باشد. که این قدرت باید از طرف شرع معین گردد.	به ناچار باید فردی به نام واضع شریعت در میان افراد بشر باشد تا که قوانین را بدان‌گونه که در کتب فقه بیان گردیده است به آنان تعلیم دهد.
۱۱	علامه طباطبایی	انسان با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم).	-
۱۲	شهید مطهری	شهید مطهری عدالت را به سه معنای موزون و متعادل بودن، مساوات و نفی هر گونه تبعیض و رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق به او میدانند.	افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آن‌ها به مساوات رفتار بکند، اما افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آن‌ها مساوی رفتار بکند. حقوق طبیعی فردی، به علت اختلاف استحقاق‌ها مختلفند، ولی حقوق طبیعی اجتماعی بشر، مساوی و مشابه هستند.

بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌محور^{۱۳} یا گراند تئوری (GT) انجام گرفته است. «در نظریه‌پردازی داده‌محور بر خلاف فرایند تحقیق خطی و نشئت گرفته از نظریه، به جای فرضیات نظری، به داده‌ها و میدان تحقیق اولویت داده می‌شود. در این‌جا فرض بر این است که محقق باید دانش نظری پیشینی را که با خود به میدان می‌آورد دست کم موقتاً کنار بگذارد» (فلیک ۱۳۹۰، ۱۰۸).

نظریه‌ی مبنایی^{۱۴} نظریه‌ای است که به صورت نظام‌مند^{۱۵} و با رویکرد استقرایی^{۱۶} (از جزء به کل) از مطالعه‌ی یک پدیده‌ی خاص به دست می‌آید و نمایانگر آن پدیده می‌باشد. در بسیاری از روش‌ها محقق از یک فرضیه شروع می‌کند و مسیر خاصی را به منظور اثبات آن فرضیه طی می‌نماید. اما در روش نظریه‌ی مبنایی در یک فرآیند رفت و برگشتی متقابل بین گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها، نظریه، کشف و استخراج می‌شود (اشتراوس و کوربین ۱۳۹۰، ۲۲-۲۳). در واقع نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبنایی

در زمینه تولید علم بومی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های تخصصی علاوه بر روش‌شناسی تحقیق، انتخاب نوع رویکرد به حل مسئله در سطوح مختلف حائز اهمیت فراوان می‌باشد؛ «مفهوم رویکرد به مثابه طریقی برای نزدیک شدن به مسئله و رهیافتی برای شکار نظریه به کار می‌رود؛ در حالی که از روش به عنوان ابزاری برای نقد و ارزیابی فرضیه به دست آمده، استفاده می‌کنیم» (قراملکی ۱۳۸۵، ۲۲۷-۲۲۸). با توجه به اهمیت تعیین و گزینش رویکرد مناسب در تحقیق حاضر، انجام این مهم در سه زمینه‌ی رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی، رویکردهای تدوین مبنایی نظری شهر اسلامی و رویکردهای تولید علم دینی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، از میان رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی^{۱۷}، رویکرد ساختار شکنانه (یا نقادانه)، از بین رویکردهای تدوین مبنایی نظری شهر اسلامی^{۱۸}، رویکرد بینابینی، و از میان رویکردهای تولید علم دینی^{۱۹}، رویکرد تالیسی مد نظر بوده است.

۳. روش پژوهش

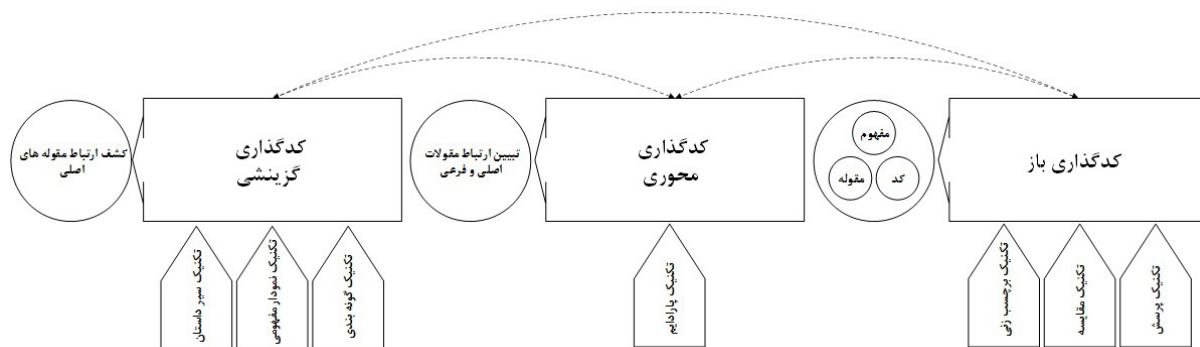
پژوهش حاضر بر اساس رویکرد تحقیق کیفی و با



گراندد تئوری و انواع تکنیک‌های مورد استفاده در مراحل مختلف آن به شرح شکل شماره یک می‌باشد.

نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند (منصوریان ۱۳۸۶، ۵).

فرایند تحلیل طراحی شده جهت بهره‌گیری از روش



تصویر ۱. فرایند تحلیل در گراندد تئوری

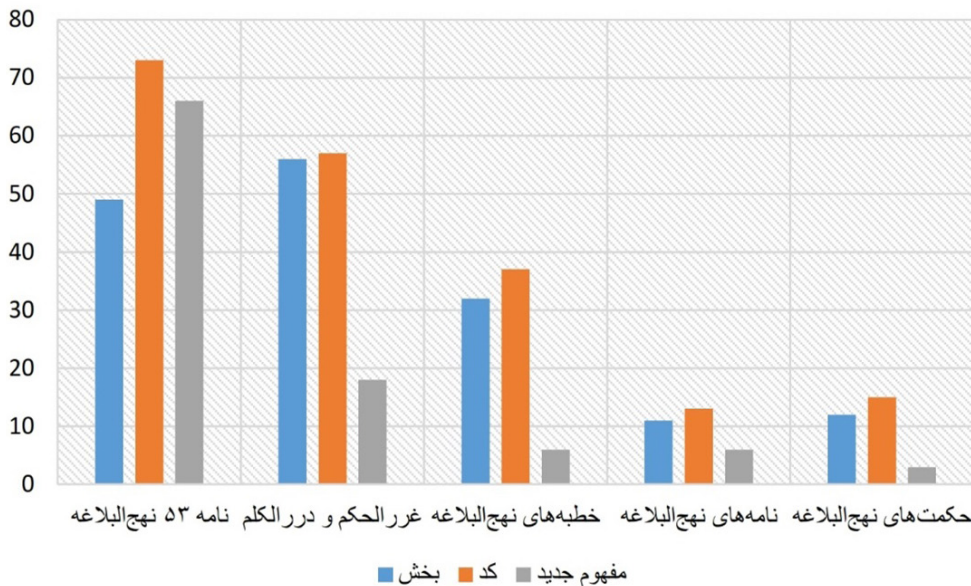
به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی انجام گرفته است. همچنین، از آنجا که «مدل‌ها منعکس‌کننده‌ی واقعیت هستند و جنبه‌هایی معینی از دنیای واقعی را که با مسئله تحت بررسی ارتباط دارند مجسم می‌سازند» (خاکی ۱۳۷۸، ۸۵)؛ در پژوهش حاضر جهت عینیت‌بخشی و توصیف خروجی‌ها و نتایج اکتشافی پژوهش از استخدام مدل‌های مفهومی و نظری بهره‌برداری شده است.

با نظر به بهره‌گیری از روش گراندد تئوری، در جدول شماره دو و نمودار شماره یک آمار کمی بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب شده از نظر تعداد بخش‌ها، کدها، مفاهیم استخراجی و مفاهیم تقویت‌شده و در نهایت فرایند اشباع نظری گزارش گردیده است. در نهایت حاصل تحلیل و کدگذاری صورت گرفته گزینش ۱۶۰ بخش و شکل‌گیری ۱۹۵ کد و ۹۸ مفهوم انتزاعی بوده است.

با نظر به روش‌شناسی کیفی انتخاب شده، روش نمونه‌گیری انتخاب شده برای فاز اکتشافی پژوهش، نمونه‌گیری نظری به شیوه هدفمند می‌باشد. در این روش، گردآوری داده‌ها تنها زمانی به پایان میرسد که با سطحی از اشباع نظری مواجه شویم. بر این اساس، با نظر به بهره‌مندی از منابع اسلامی، داده‌ها و اطلاعات لازم از کتاب شریف نهج‌البلاغه و کتاب حدیث غررالحکم و دررالکلم که شامل مجموعه بیانات و مکاتبات حضرت علی(ع) می‌باشند، با استفاده از هر دو روش لغت‌کاوی و معناکاوی استخراج گردیده است. گردآوری داده‌های تحقیق در این فاز به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از روش کدگذاری باز نظریه داده‌بنیاد و در مواردی با الهام از روش تحلیل اسنادی و به طور پیوسته و مداوم در اثنای تحقیق و همزمان با تحلیل انجام گرفته است. تحقیق حاضر از نظر هدف جزو تحقیقات بنیادی، از نظر ابزار، غیرآزمایشی، و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات

جدول ۲. آمار کمی بررسی نمونه‌های پژوهش

ردیف	عنوان نمونه	حجم نمونه	بخش	کد	مفهوم جدید	مفهوم تقویت شده
۱	نامه ۵۳ نهج‌البلاغه	۱	۴۹	۷۳	۶۵	-
۲	غرر الحکم و دررالکلم	۱۱۰۵۰ حدیث	۵۶	۵۷	۱۸	۱۱
۳	خطبه‌های نهج‌البلاغه	۲۴۱ خطبه	۳۲	۳۷	۶	۱۸
۴	نامه‌های نهج‌البلاغه	۷۹ نامه	۱۱	۱۳	۶	۴
۵	حکمت‌های نهج‌البلاغه	۴۸۰ حکمت	۱۲	۱۵	۳	۹
۶	جمع	-	۱۶۰	۱۹۵	۹۸	۴۲



تصویر ۲. تعداد بخش، کد و مفاهیم استخراجی از نمونه‌ها و فرایند اشباع نظری

۴. یافته‌های تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر «دستیابی به نظریه عدالت اجتماعی و فضایی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی در راستای تدوین بخشی از مبانی نظری شهر اسلامی» می‌باشد؛ با توجه به هدف فوق و روش بکارگرفته شده در پژوهش حاضر نتایج قابل توجهی حاصل گردید که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.^{۱۸}

۴-۱. بررسی و تحلیل مفاهیم و روابط آن‌ها

در راستای دستیابی به مدل‌ها و الگوهای عملیاتی متناسب با هدف پژوهش، به بررسی و تشریح مفاهیم و مقولات اصلی به‌دست‌آمده، بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها، پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در جدول فوق قابل مشاهده می‌باشد؛ نتیجه نهایی کدگذاری منابع بررسی شده با محوریت موضوع عدالت اجتماعی و فضایی، به‌صورت یکسری مفاهیم و مقوله‌های اصلی ظهور پیدا کرده است. مقوله‌های اصلی نهایی عبارتند از اصول، الزامات اجرایی، پیامدها، راهبردها، راهکارها، مبانی، و معیارهای عدالت اجتماعی و فضایی که در واقع چارچوب اصلی نظریه عدالت اجتماعی و فضایی از منظر اسلامی را نشان می‌دهد.

۴-۱-۱. مقوله مبانی عدالت اجتماعی و فضایی

منظور از مبانی، یک نوع توصیف، توضیح، و تبیین نظری حاصل از بررسی نمونه‌ها، در زمینه‌هایی چون چیستی،

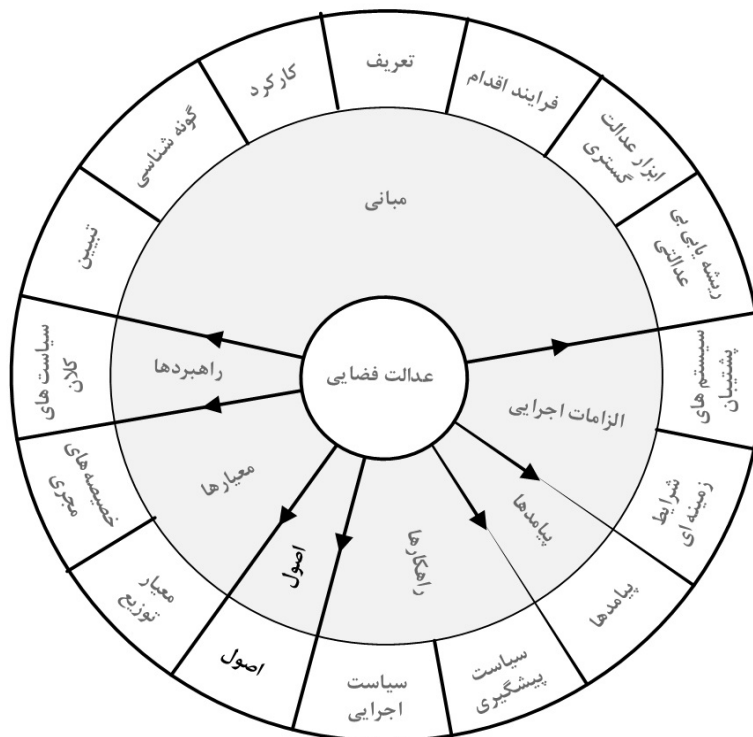
با توجه به بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب‌شده و کدها و مفاهیم به‌دست‌آمده، و براساس فرایند روش‌شناسی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، با استفاده از تکنیک مقایسه و سوال و بررسی ابعاد و ویژگی‌های کدها و مفاهیم حاصله و بررسی ارتباطات آن‌ها، مفاهیم در قالب مفاهیم اصلی و مقوله‌ها مجدداً در سطح انتزاعی‌تری مورد طبقه‌بندی قرار گرفتند. این کار که نیازمند تفکر انتزاعی و قدرت تحلیل لازم می‌باشد؛ جهت دستیابی به الگوی نظری مورد نظر تحقیق ضروری می‌باشد. لازم است ذکر شود که با نظر به تعداد کدها و مفاهیم به‌دست‌آمده، و بر اساس رابطه^{۱۷} زیر، جدول مفاهیم و مقولات نهایی حاصل حداقل حدود ۳۰ هزار مقایسه‌ی زوجی کدها و مفاهیم می‌باشد. بر این اساس، جهت مدیریت کدها و مفاهیم استخراجی، از نرم‌افزار Maxqda نسخه شماره ۱۰۰۱ استفاده شده است.

$$p = \sum_{i=1}^n n_{ci}(n_{ci} - 1) + (n_{ci} * n_{ct})$$

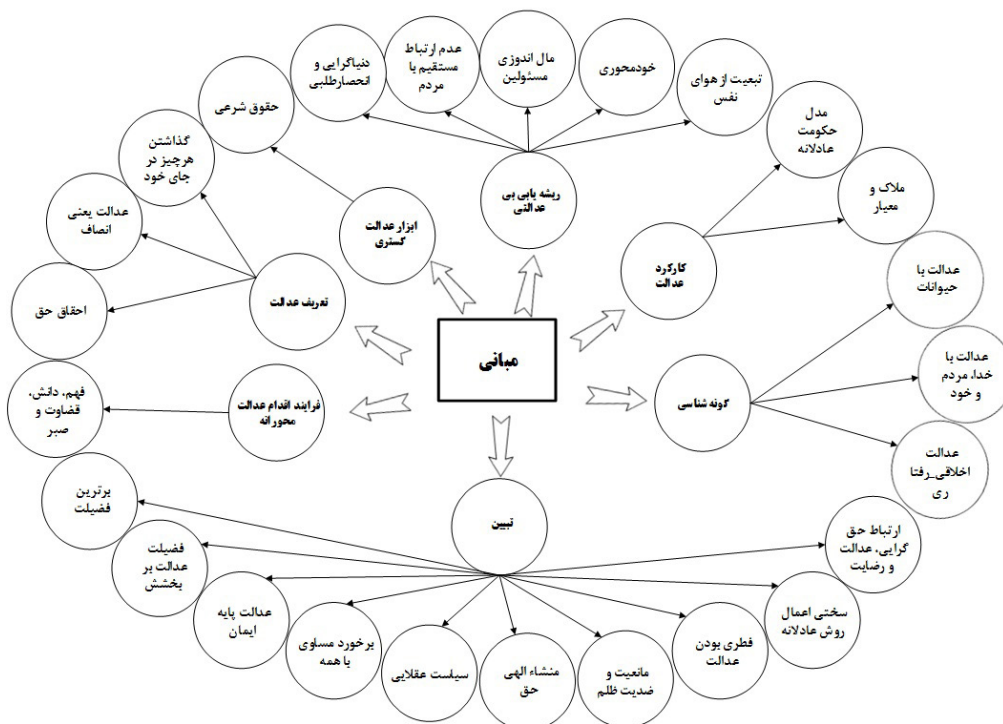
لازم به ذکر می‌باشد که این پژوهش، پژوهش کلانی بوده است که در راستای دستیابی به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و فضایی به انجام رسیده است و در این راستا، مقولات متعددی در ابعاد مختلف نظریه عدالت اجتماعی و فضایی حاصل گردیده است که در مقاله حاضر ارائه بخش اصلی پژوهش که تبیین نظریه عدالت فضایی از منظر اسلام می‌باشد، پرداخته شده است.



چگونگی، و چرایی مفهوم محوری پژوهش می‌باشد. مجموعه مفاهیم مرتبط با این مقوله در شکل ۴ به نمایش در آمده است.



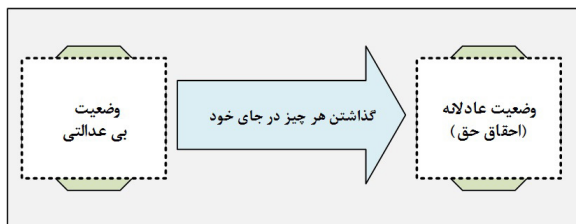
تصویر ۳. ساختار کلی مقولات و مفاهیم اصلی نظریه عدالت اجتماعی و فضایی



تصویر ۴. مفاهیم و مقولات فرعی مقوله مبانی

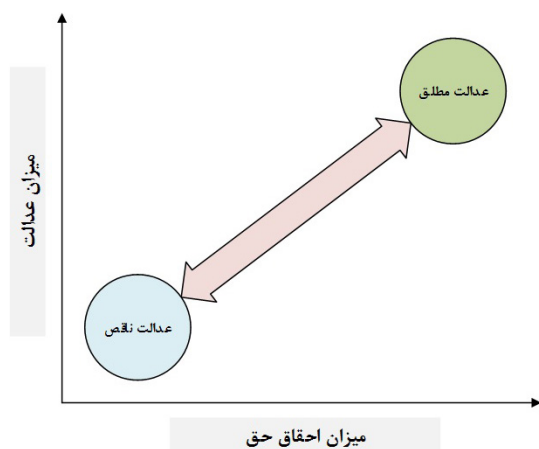


یا کلان‌ملاک مطرح می‌گردد. در واقع با این مُقسّم می‌توان تمامی سیستم‌ها، ساختارها، فرایندها، و فضاها را به دو نوع و وضعیت عادلانه و یا غیرعادلانه تقسیم کرد. بر همین اساس یک فضای شهری نیز، متناسب با شاخص‌های عدالت، می‌تواند فضای شهری عادلانه و یا فضای شهری ناعادلانه، خوانده شود. در ادامه با بررسی ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم فوق و سایر مفاهیم مرتبط و کشف روابط بین آن‌ها، به بسط تعریف فوق و شکل‌دهی آن به صورت الگوی نظری کامل پرداخته می‌شود.



تصویر ۵. الگوی محور اصلی نظریه عدالت (چیستی عدالت)

با نظر به کدها و مفاهیم استخراجی از یک طرف و بعید بودن تحقق مطلق و کامل حق در همه زمان‌ها و مکان‌ها، از طرف دیگر، می‌توان مفهوم «احقاق حق» را از نظر ویژگی «میزان» و ابعاد آن مورد بررسی قرار داد. حد پایین و حد نهایی ویژگی «میزان» می‌تواند از کم (ناقص) تا کامل (تام یا مطلق) متغیر باشد. بر همین اساس می‌توان به دو الگوی احقاق حق ناقص یا «عدالت ناقص» و احقاق حق مطلق یا «عدالت مطلق» رسید. بر همین مبنا می‌توان نتیجه گرفت که هرچه میزان احقاق حق بیشتری اتفاق بیفتد، عدالت بیشتری نیز محقق می‌گردد؛ درواقع «میزان احقاق حق بیشتر مساوی عدالت بیشتر» می‌باشد.



تصویر ۶. الگوی عدالت مطلق و عدالت ناقص بر اساس خصیصه میزان

عدالت یکی از متاکانسپت‌ها و یا کلان‌مفاهیمی است که تقریباً در تمامی حوزه‌های معرفتی (از جهان‌بینی گرفته تا اخلاق، سیاست، حقوق، و...) و کل سطوح حیات بشری (فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، و...) و در تمامی دوران (از قدیم تا به امروز) مطرح بوده است. در چنین شرایطی، اولین مسئله‌ای که بروز می‌کند، چیستی این مفهوم و یا تعریف آن با نظر به گستردگی فزاینده‌ی آن می‌باشد. همان‌گونه که در بخش مبانی و ادبیات نظری تحقیق عنوان شده است، تا به امروز، تعاریف متعددی از مفهوم عدالت و مفاهیم تابعه‌ی آن هم چون عدالت فضایی، توسط اندیشمندان و مکاتب مختلف و با رویکردهای متنوع ارائه گردیده‌است. چیزی که در این بین بدیهی است، پیچیده بودن این مفهوم و مشکل بودن ارائه‌ی یک تعریف متقن و جامع و مانع از آن می‌باشد.

همان‌گونه که در تصویر شماره ۳ نیز مشخص می‌باشد، بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته بر روی منابع اسلامی بررسی شده، سه مفهوم اساسی در زمینه‌ی تعریف مفهوم عدالت به دست آمده‌است که عبارتند از: احقاق حق، رعایت انصاف، و گذاردن هر چیز در جای خود. با عنایت به منطق تحلیلی پارادایم و مولفه‌های شرایط، عمل/تعامل و پیامد؛ و با نظر به انواع و گونه‌های مختلف تعریف، می‌توان عنوان کرد که «احقاق حق» نتیجه یک عمل عادلانه است و «گذاردن هر چیز در جای خود» در حکم روش برای عدالت می‌باشد که پیامد آن به صورت «احقاق حق» نمود پیدا می‌کند.

در مورد مفهوم «رعایت انصاف»، با نظر به بررسی‌های مختلفی که در خصوص مفهوم «انصاف» صورت گرفته‌است؛ این اصطلاح با نظر به معنای لغوی آن، عموماً در معنای مساوات و برابری به کار رفته‌است. بر همین مبنا، اگر «انصاف» معادل «مساوات و برابری» انگاشته شود، در این صورت، بخشی از افعال عدالت‌محورانه را شامل می‌شود. عدالت همیشه و همه‌جا به معنای مساوات و برابری نیست؛ درواقع مفهوم «عدالت» اعم از مفهوم «انصاف» می‌باشد. در اصل می‌توان عنوان کرد که «انصاف در برخی موارد عادلانه است و عدالت فقط انصاف نیست».

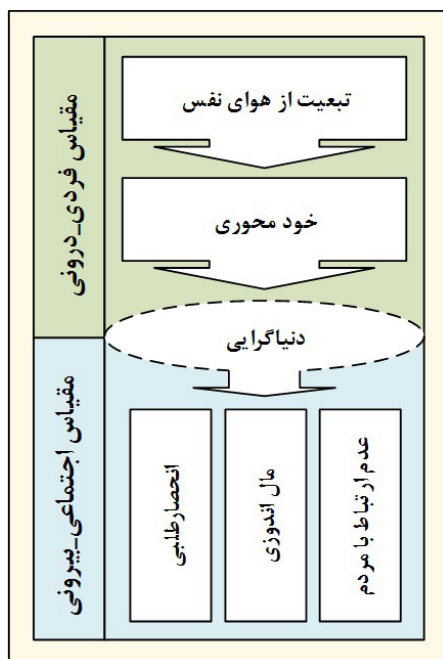
با نظر به مطالب فوق می‌توان عنوان کرد که تعریف عدالت (یا محور اصلی نظریه عدالت) از منظر حضرت علی (ع) به صورت زیر می‌باشد: عدالت عبارت است از:

«احقاق حق» از طریق «گذاردن هر چیز در جای خود».

با نظر به تعریف فوق و بر اساس مفهوم اصلی «کارکرد عدالت» و زیرمفاهیم آن، می‌توان عنوان کرد که هر جا حق و حقیقتی موضوعیت داشته باشد، عدالت به‌عنوان یک کلان‌معیار



مسئولین، عدم ارتباط مستقیم با مردم، تبعیت از هوای نفس، دنیاگرایی و انحصارطلبی. بدیهی است که بین «ریشه‌های بی‌عدالتی» و علل آن، تفاوت وجود دارد. در این‌جا منظور از «ریشه‌های بی‌عدالتی»، اصل و یا بن‌مایه‌های بی‌عدالتی می‌باشد که تمامی علل و عوامل مستقیم و غیرمستقیم بی‌عدالتی از آن‌ها ریشه می‌گیرند. در واقع، ریشه‌ها محرک اصلی و اولیه و بیشتر اخلاقی-رفتاری بی‌عدالتی‌ها می‌باشند که نمود آنها در قالب عوامل مختلف به ظهور می‌رسد. با مقداری تعمق در کدها و زیرمفاهیم مربوطه، معلوم می‌شود که مفاهیم و مولفه‌های مربوط به ریشه‌های بی‌عدالتی همگی در سطح و مرتبه یکسانی قرار ندارند. مجموعه‌ی مولفه‌های فوق را می‌توان در دو مقیاس «فردی-درونی» و «اجتماعی-بیرونی» طبقه‌بندی کرد. بر اساس منابع بررسی شده، مولفه‌های مربوط به مقیاس فردی-درونی، دارای نقش ریشه‌ای‌تر و عاملیت نسبت به مولفه‌های مقیاس اجتماعی-بیرونی می‌باشند. مطابق تصریح منابع، تبعیت از هوای نفس در مقیاس فردی، ریشه‌ی تمام بی‌عدالتی‌ها معرفی گردیده است؛ تبعیت از هوای نفس به‌جای تبعیت از مجموعه ارزش‌های متعالی (خدا)، در مرحله‌ی بعد نتیجه‌اش خودمحوری بجای خدامحوری می‌شود و دنیاگرایی را بجای آخرت‌گرایی می‌نشانند. مجموعه این شرایط در نهایت باعث نمودهای افعالی چون انحصارطلبی، مال‌اندوزی، و انقطاع از مردم در سطح اجتماع گشته و تبدیل به علت‌العلل بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌گردند.



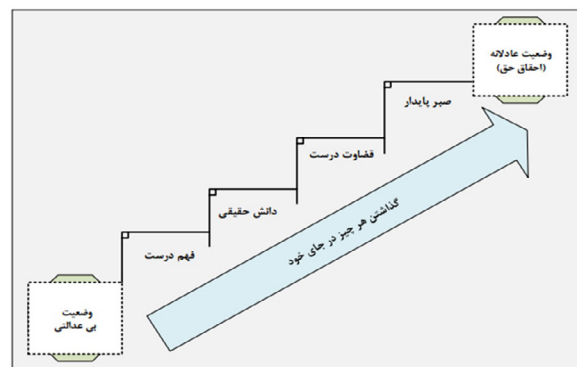
تصویر ۹. ارتباط مولفه‌های ریشه‌های بی‌عدالتی در مقیاس فردی و اجتماعی

با توجه به مفهوم احقاق حق و روش تحقق آن، یکی از ویژگی‌های اصلی احقاق حق، چگونگی یا فرایند آن می‌باشد؛ از این نظر، این مفاهیم به مفهوم اصلی «فرایند اقدام عدالت‌محورانه» در مقوله‌ی «مبانی» مرتبط می‌شود. مفهوم «فرایند اقدام عدالت‌محورانه» از چهار مولفه شکل گرفته است؛ که با رعایت تقدم و تأخر منتج شده از منابع، می‌توان آن‌ها را به شکل زیر نشان داد.



تصویر ۷. مدل فرایند اقدام عدالت‌محورانه

این مدل نشان‌دهنده آن است که هر اقدام عدالت‌محورانه، در گام اول نیازمند فهم اولیه و اجمالی از حوزه‌ی موضوع می‌باشد، این فهم اولیه‌ی درست، مقدمه‌ی دستیابی به دانش حقیقی در خصوص مسئله‌ی مورد نظر می‌باشد. این دانش، زمینه‌ی لازم جهت قضاوت عادلانه را فراهم کرده و از خطا در اقدام جلوگیری می‌کند. گام نهایی در اقدام عدالت‌محورانه، صبر و پایداری بر آن و دوری از تعجیل، جهت حصول نتایج اقدام می‌باشد. با نظر به مطالب عنوان‌شده، و با تلفیق مدل‌های فوق، الگوی اولیه‌ی نظریه‌ی عدالت به شکل زیر تغییر می‌یابد.



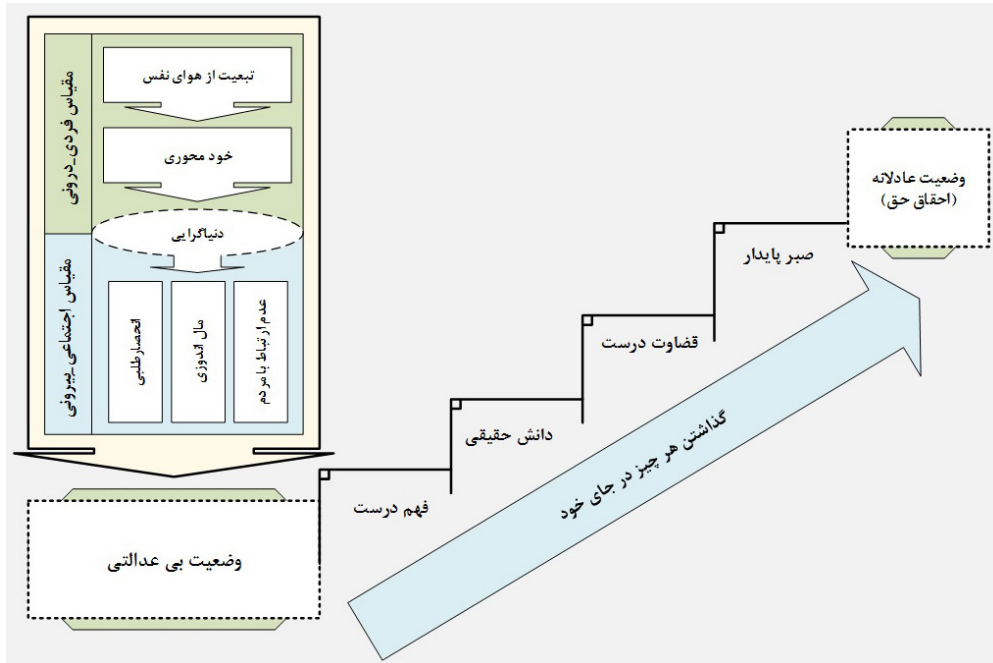
تصویر ۸. مدل اولیه نظریه عدالت از منابع اسلامی

در راستای بسط مدل فوق، و با بهره‌گیری از روش تحلیل «پارادایم»، در صورتی که به «وضعیت بی‌عدالتی» به عنوان «پیامد» مجموعه عواملی نگریسته شود، در این صورت مدل فوق با مفهوم اصلی «ریشه‌های بی‌عدالتی» مربوط می‌گردد. مولفه‌های این مفهوم عبارتند از: خودمحوری، مال‌اندوزی



بی‌عدالتی نیز گسترده‌تر خواهد بود. با تلفیق مدل فوق در مدل نظریه عدالت، این مدل به صورت زیر بسط یافته است.

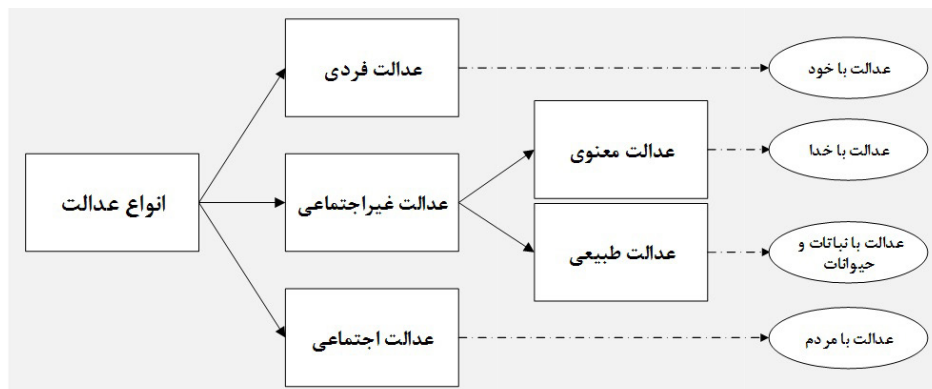
بدیهی است که تمامی موارد فوق در تمامی افراد جامعه و در سطوح مختلف خانه، محله، شهر، منطقه و کشور می‌تواند به منصفه ظهور برسد؛ منتهی هر چقدر مسئولیت فرد در اجتماع و ساختار حکومت بیشتر باشد، به همان نسبت نمود فضایی



تصویر ۱۰. مدل اولیه نظریه‌ی عدالت از منابع اسلامی

تقسیم می‌گردد. بر این اساس تمامی انواع عنوان شده برای عدالت ذیل یکی از سه نوع اصلی فوق جایی می‌گیرند. به‌عنوان نمونه عدالت کیفی، عدالت اقتصادی، عدالت فضایی، عدالت سازمانی، و عدالت فرهنگی، همه شقوقی از عدالت اجتماعی می‌باشند.

یکی از مفاهیم اصلی ذیل مقوله‌ی مبانی، مفهوم «گونه‌شناسی» می‌باشد. بررسی مجموعه کدها و مفاهیم مرتبط با این مفهوم، نشان‌دهنده‌ی وجود سه نوع عدالت از منظر حضرت علی(ع) می‌باشد؛ که عبارتند از عدالت فردی، عدالت اجتماعی، و عدالت غیراجتماعی. عدالت غیراجتماعی خود به دو زیر طبقه با عناوین عدالت طبیعی و عدالت معنوی

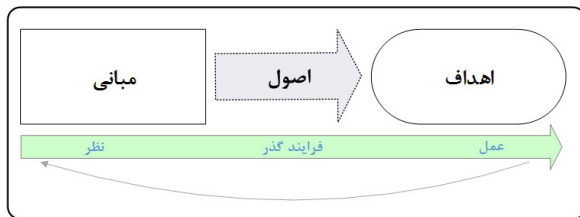


تصویر ۱۱. انواع عدالت و مصادیق آن



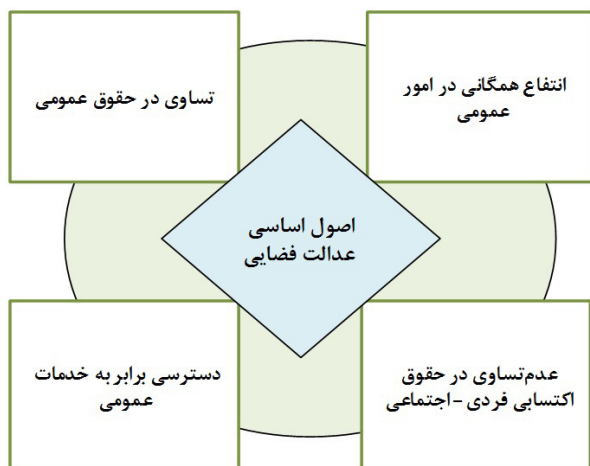


راهنمای عمل در گذر از مبانی به تحقق اهداف را ایفا می‌کنند. در واقع، یک اندیشه و ارزش برخاسته از مبادی حقیقت، زمانی می‌تواند در ساحت عمل و اجرا کاربست یابد که بتوان آن را در قالب اصول معین انتزاع کرده و محور پایدار و راهنمای لاقید^{۱۹} اقدامات با نظر به تحقق هدف قرار داد. مدل زیر به تبیین رابطه بین مبانی، اصول و اهداف می‌پردازد.



تصویر ۱۲. نقش اصول در فرایند گذر از بنیادهای نظری به اجرا

با توجه به اهداف پژوهش حاضر، یکی از مقوله‌های اصلی که در فرایند به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد و حول مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی نمود پیدا کرد، مقوله‌ی «اصول» می‌باشد. متعاقب تحلیل‌های صورت‌گرفته، در نهایت تعداد چهار اصل کلی اساسی برای عدالت اجتماعی و فضایی در قالب مفاهیم منتسب به «بایدها و نبایدها»، از تعداد ۳۸ کد مرتبط به دست آمد که در شکل زیر نشان داده شده‌است.



تصویر ۱۳. اصول اساسی عدالت فضایی

۴-۱-۳. مقوله‌ی پیامدها

یکی از مقوله‌های اساسی که در نتیجه‌ی تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از منابع، به‌دست آمد، مقوله‌ی

از بین مفاهیم اصلی موجود در ذیل مقوله‌ی «مبانی»، مفهوم اصلی «تبیین» شامل مفاهیمی می‌باشد که به روشن‌تر شدن جوانب مختلف نظریه عدالت از منظر امام علی (ع) کمک می‌کند. در این بخش مراد از «تبیین»، معنی لغوی این واژه یعنی «توضیح دادن، بیان کردن، تشریح کردن و آشکار ساختن» می‌باشد (عمید ۱۳۷۱، ۳۲۵؛ معین ۱۳۶۳). جهت پرهیز از مطول شدن مطلب، ذیل مفهوم فوق، صرفاً به بیان گزاره‌ها و فرضیه‌های حاصل از تحلیل اشاره می‌گردد. این گزاره‌ها عبارتند از:

- فراتر از مباحث درون‌دینی، «عدالت» یک سیاست و روش عقلایی می‌باشد.
- «حق» که محور عدالت می‌باشد؛ دارای وجاهت و منشأ شرعی و الهی می‌باشد.
- «ظلم» در نقطه‌ی مقابل عدالت، دارای نسبت مانعیت و ضدیت با آن می‌باشد.
- اصل و ریشه‌ی عدالت جدایی از قراردادهای اجتماعی متناسب با آن، دارای منشأ فطری می‌باشد.
- اجرایی کردن مدل عدالت و اعمال روش‌ها و سیاست‌های عادلانه سخت و دشوار می‌باشد.
- بین مولفه‌های حق‌گرایی، گسترش عدالت و افزایش رضایت عمومی همبستگی مثبت برقرار است.
- با نظر به قرائت درون‌دینی، عدالت در کنار صبر، یقین و جهاد، یکی از ارکان دین می‌باشد.
- از منظر اخلاقی، فضیلت عدالت بر تمامی فضیلت‌ها برتری دارد.

۴-۱-۲. مقوله اصول عدالت اجتماعی و فضایی

«اصل»، معادل کلمه انگلیسی «principle» و در لغت به معنی ریشه، اساس و مبدأ است و در اصطلاح، در علوم مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است. از جمله:

- تکیه‌گاه بنیادی درون یک ساخت؛
- قوانین حاکم بر پویایی و تحول یک ساخت؛
- هر خرده‌ساختی که ساخت‌های دیگر از آن ناشی شوند؛
- ریشه یا سرچشمه یک شیء یا ساخت؛
- بایدها و نبایدها به مثابه راهنمای عمل برای رسیدن از مبانی به اهداف؛

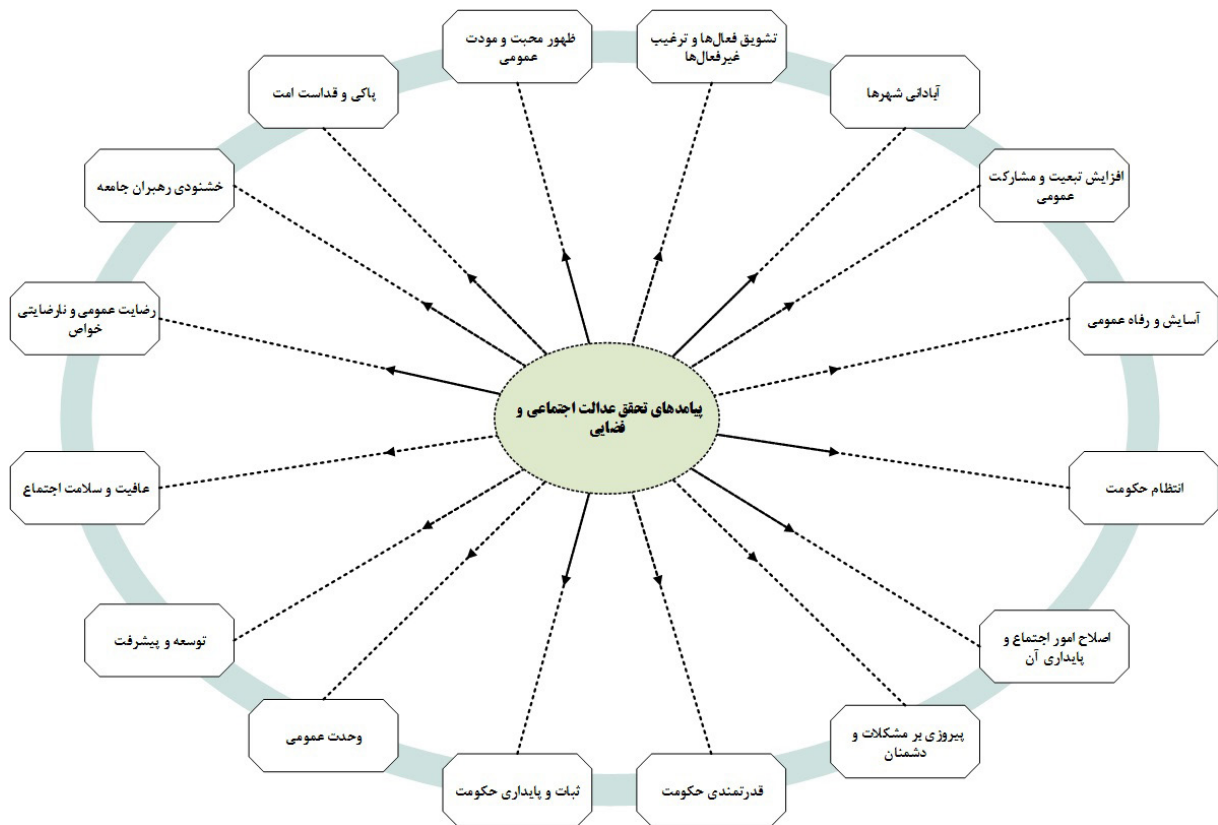
راهنمای عمل در محدوده‌ای که مبانی، آن را تحمیل می‌کند (اصغری ۱۳۸۶، ۴-۱۴).

با نظر به تعابیر فوق می‌توان عنوان کرد که اصول از جنس «بایدها و نبایدها» و منبعث از «هست‌ها» و «مبانی» می‌باشند؛ که به‌عنوان جزء اصلی نظریات کاربردی، نقش



سیاست‌های عدالت‌محورانه در جامعه می‌باشد. این پیامدها به شرح شکل زیر می‌باشد.

«پیامدها»ی عدالت اجتماعی و فضایی می‌باشد. مفاهیم ذیل این مقوله نشان‌دهنده‌ی آثار و نتایج حاصل از اجرای



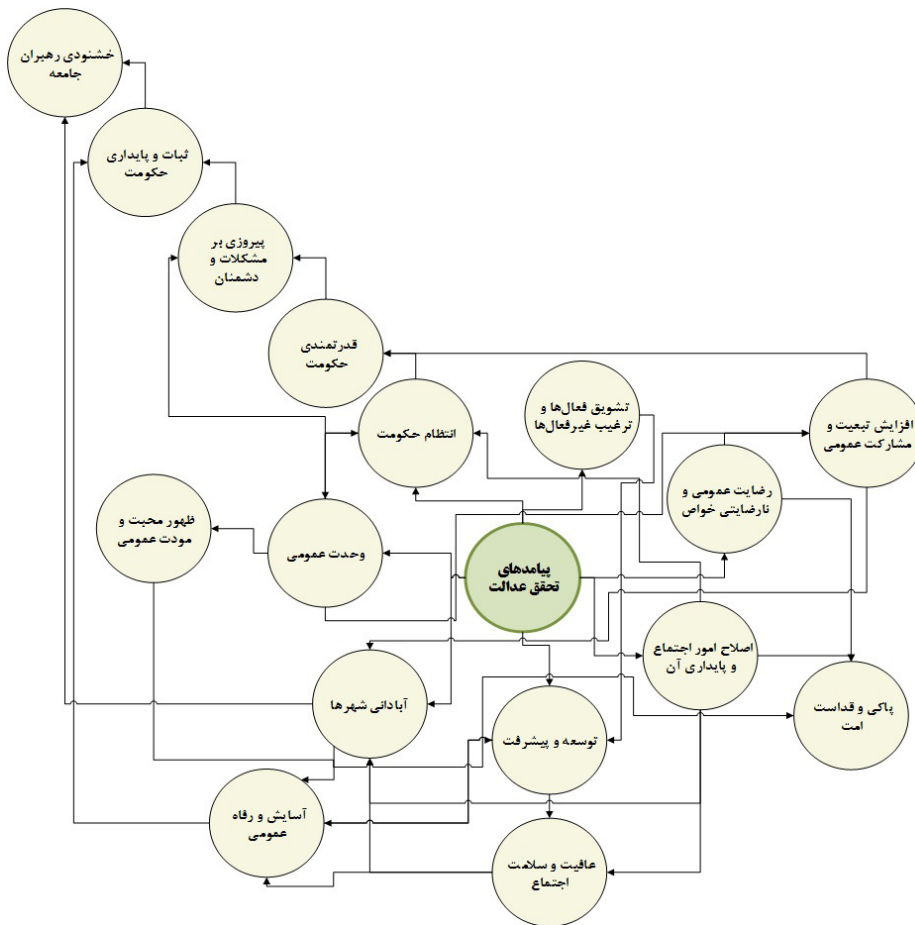
تصویر ۱۴. پیامدهای تحقق عدالت اجتماعی و فضایی در جامعه

۴-۱-۴. مقوله معیارهای عدالت اجتماعی و فضایی

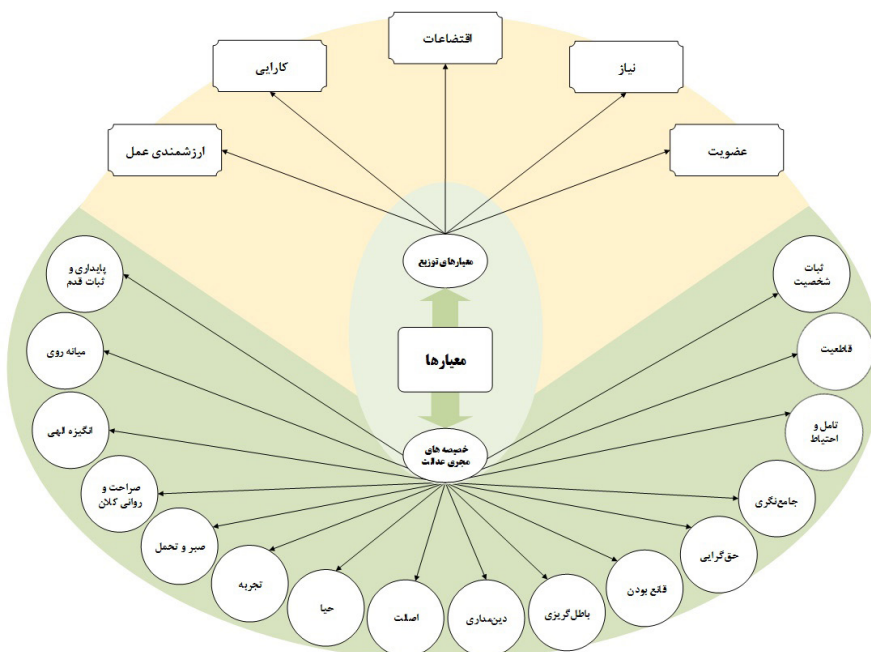
یکی از مقوله‌ها و مولفه‌های اصلی ظاهر شده، مقوله‌ی «معیارها»ی عدالت فضایی می‌باشد که مرتبط با یکی از اهداف اصلی تحقیق، یعنی تعیین معیارها و شاخص‌های عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام می‌باشد. مطابق بررسی‌های صورت‌گرفته، مفاهیم ذیل این مقوله در دو دسته‌ی اصلی با عناوین «خصیصه‌های مجری» و «معیارهای توزیع» طبقه‌بندی شده‌اند (تصویر ۱۶).

اصلی‌ترین پیامد فضایی برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در جامعه، آبادانی شهرها می‌باشد. مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تحقق عدالت در جامعه را می‌توان آسایش و رفاه عمومی و توسعه و پیشرفت جامعه دانست. تفوق و پیروزی بر مسائل و مشکلات و انتظام و قدرتمندی و ثبات و پایداری حکومت‌ها از اساسی‌ترین پیامدهای سیاسی اجرایی صحیح سیاست‌های عدالت‌محورانه در جامعه می‌باشد. پیامدهای فوق را می‌توان از نظر تقدم و تاخر و روابط بین آن‌ها مورد بررسی قرار داد. در واقع می‌توان گفت که این پیامدها، همگی نتیجه‌ی مستقیم برقراری عدالت نمی‌باشند، بلکه کل پیامدها و تبعات مستقیم و غیرمستقیم آن را شامل می‌شوند. مدل زیر نشان‌دهنده روابط فرضی و نظری بین پیامدهای عدالت اجتماعی می‌باشد.





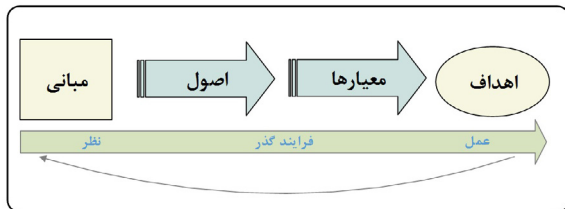
تصویر ۱۵. مدل فرضی روابط بین پیامدهای تحقق عدالت در جامعه



تصویر ۱۶. دسته‌بندی مفاهیم مربوط به مقوله «معیار»



می‌توان ضابطه و ملاک سنجش در کاربست اصول دانست. در واقع در مقام توزیع منابع نیاز به استانداردها و ملاک‌هایی هست که مبنای عمل قرار گیرد. این مبنای عمل براساس اصول، معیارهای توزیع می‌باشند. خود منشأ اصول عدالت، مبنای عدالت می‌باشد. در اصل، مطابق تصویر ۱۳ (بخش اصول)، در گذر از مبنای عدالت در راستای دستیابی به اهداف عدالت با راهنمایی اصول عدالت، این معیار عدالت است که مبنای عمل قرار می‌گیرد و در فرایند اجرای عدالت، یک گام دیگر ما را به تحقق هدف نزدیک می‌سازد. بنابراین، مدل ارائه شده در تصویر ۱۲ را می‌توان به صورت زیر تکمیل کرد.



شکل ۱۲: ارتباط مبانی، اصول و معیارها با تحقق اهداف عدالت فضایی

بر اساس مبنای عنوان شده در بخش‌های گذشته، اصلی‌ترین کلیدواژه‌ی عدالت، مفهوم «حق» می‌باشد. همان‌گونه که در تعریف عدالت نیز مشخص گردید، «احقاق حق» مفهوم محوری این تعریف است. مطابق این مبنای و توضیحاتی که در بخش اصول عدالت فضایی عنوان گردید، حقوق اجتماعی شهروندان به دو دسته‌ی اساسی تقسیم می‌گردد که عبارتند از «حقوق عمومی یا طبیعی» و «حقوق اکتسابی». اصول عدالت فضایی در راستای احقاق این حقوق به ارائه‌ی بایدها و نبایدهای لازم می‌پردازد. و در ادامه، در همین راستا، معیارهای توزیع نیز مبنا و ملاک عمل قرار می‌گیرند. شکل ۱۸ مدل ارتباط مبانی، اصول، معیارها و اهداف را با جزئیات بیشتری به نمایش می‌گذارد.

بنابر مباحث فوق، به بیان روشن‌تر اگر از «چرایی» یک اصل سوال گردد، به مبنای آن اصل و اگر از «چگونگی» توزیع بر اساس اصل خاصی سوال گردد، در پاسخ و با عبارت «چون» به معیار آن اصل اشاره می‌گردد. در واقع، می‌توان عنوان کرد که هر معیاری مرتبط با چند اصل و هر اصلی نیز بر مبنای خاص خود استوار است. شکل ۱۹ مدل ارتباط اجزای اصول و معیارها با مبنای (انواع حقوق شهروندان) را نشان می‌دهد.

مفهوم اصلی «خصیصه‌های مجری» شامل آن دسته از مفاهیمی می‌گردد که نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌ها و خصوصیات مسئولین و نیروهای اجرایی دخیل در اجرای عدالت و توزیع منابع عمومی در جامعه می‌باشند. بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، در کل ۱۶ خصیصه برای مجریان عدالت استخراج گردیده است. این خصیصه‌ها از آن نظر که می‌تواند به عنوان معیارهای اصلی در انتخاب و گزینش مسئولین و نیروهای انسانی مرتبط با توزیع منابع، فرصت‌ها و خدمات در جامعه، قرار گیرند؛ حائز اهمیت فراوان می‌باشند.

با نظر به ارتباط ویژگی‌های فوق با یکدیگر، به نظر می‌رسد، مهمترین و اساسی‌ترین ویژگی‌هایی که سایر خصیصه‌ها نیز ناشی از آنها می‌باشند، عبارتند از: دین‌مداری، باتجربگی، حق‌گرایی و جامع‌نگری. بدیهی است که جهت گزینش افراد در راستای اعمال سیاست‌های عادلانه، این معیارها باید تبدیل به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری گردد.

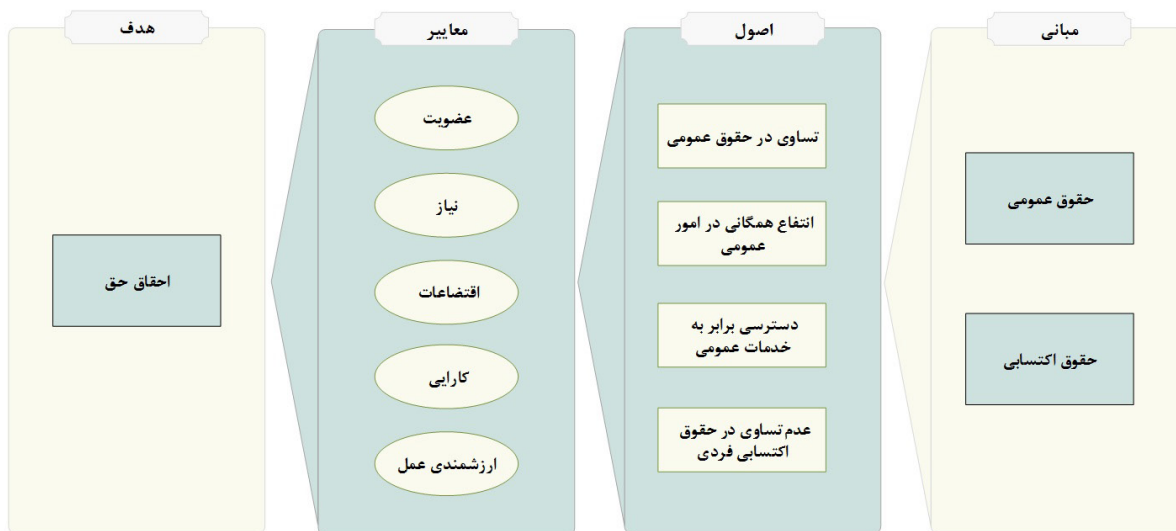
دسته‌ی دیگر مفاهیم مربوط به مقوله‌ی «معیارها» عبارت است از «معیارهای توزیع». مفاهیم مربوط به این گروه، با نظر به ارتباط آن با هدف تحقیق، نیاز به بررسی و تدقیق بیشتری دارند. این معیارها عبارتند از:

- عضویت،
- نیاز،
- کارایی،
- ارزشمندی عمل، و
- اقتضائات.

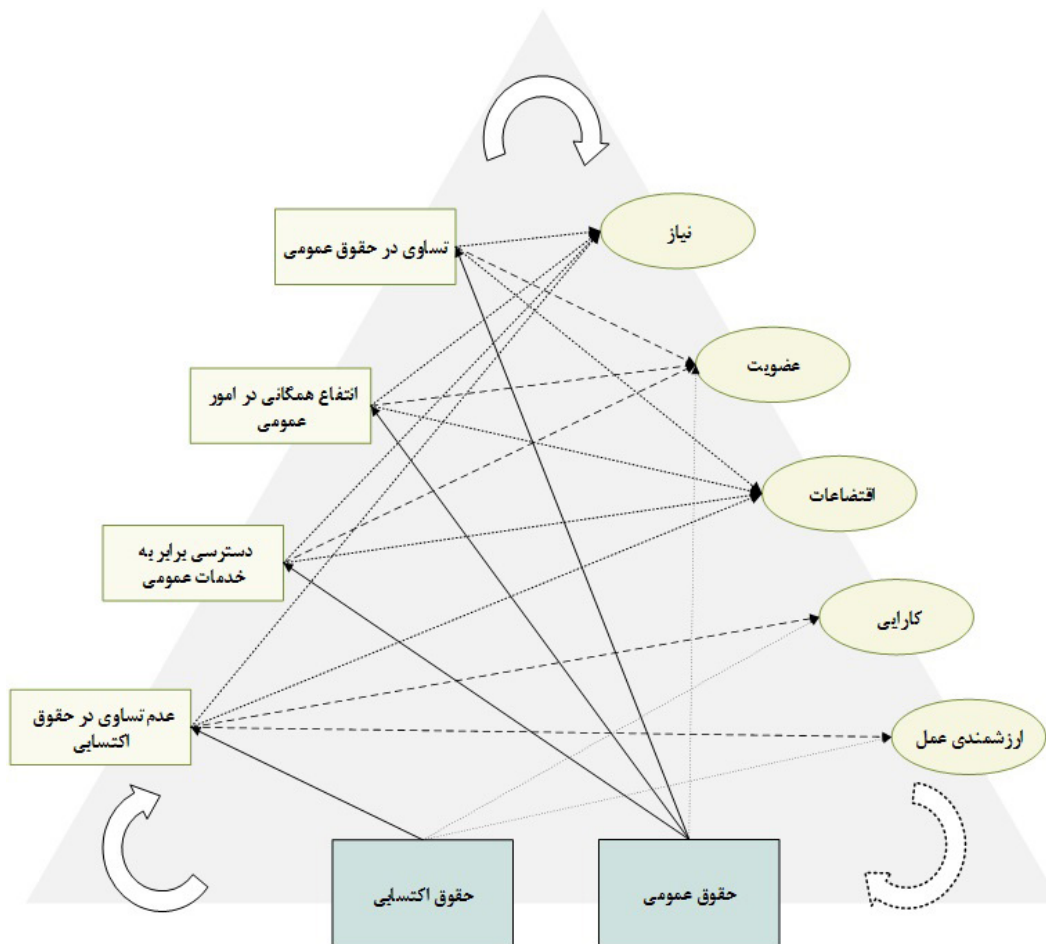
واژه‌ی معیار^{۲۰} در علوم و منابع مختلف و با معانی متفاوت اما نزدیک به هم به کار رفته است. در فرهنگ لغات معین، عمید، دهخدا و فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، معانی چون: اندازه، وسیله‌ای که بدان چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند، مقیاس و آلت سنجش، ضابطه و ملاک، به کار رفته است. جدای از معانی لغوی این واژه، عمدتاً در منابع علمی این اصطلاح در مفهوم «استاندارد» که بسیار نزدیک به معنی لغوی آن می‌باشد، مورد استفاده قرار گرفته است.

در علوم انسانی و به ویژه اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی از معیار برای سنجش نتایج حاصله یا مورد انتظار استفاده می‌شود. در واقع معیار عبارت است از مقدار، اندازه یا شکلی که بین دو شخص یا در یک جامعه به منظور خاصی به طور قراردادی معین می‌شود و معمولاً وسیله سنجش است. معمولاً در تمام تعاریف، معیارها یک ضوابط قراردادی هستند. بدین ترتیب، معیارها در حوزه‌های مختلف با پذیرش یک اصل به عنوان مبنای سنجش به صورت قراردادی به وجود می‌آید (مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۸۰، ۳۱-۳۲).

همان‌گونه که در مطلب فوق اشاره گردید، معیارها را



تصویر ۱۸. ارتباط سامان‌مند مجموعه مبانی، اصول، معیارها و اهداف عدالت فضایی



تصویر ۱۹. مدل ارتباط عناصر مبانی، اصول و معیارهای عدالت فضایی



۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش‌هایی قبل بر اساس اصول کدگذاری محوری، ابعاد و ویژگی‌های مقوله‌های استخراج شده مورد بررسی قرار گرفت و در همین راستا مفاهیم مربوط به هر مقوله تا حد امکان به همدیگر مرتبط گردیدند و تحلیل‌های مورد نیاز با بهره‌گیری از تکنیک‌های مقایسه، سوال و تکنیک پارادایم جهت فهم مقوله‌ها و کشف سرنخ‌های لازم برای ارتباطات بین مقوله‌ای به انجام رسید.

در این بخش به‌عنوان مرحله‌ی نهایی در فرایند روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و بر اساس مطالب بخش‌های گذشته و با بهره‌گیری از روش کدگذاری گزینشی، سعی گردیده است تا حد امکان، ارتباطات بین مقوله‌ای ایجاد شده و با محور قراردادن مقوله‌های اصلی مرتبط با اهداف و سوالات تحقیق، الگوهای نظری نهایی و مدل‌های تحلیلی یا نظری مورد نیاز استخراج گردد. باید عنوان کرد که مدل‌های مفهومی و نظری به تدریج و در فرایند تحقیق صورت‌بندی می‌گردند.

الف) تعریف عدالت اجتماعی و فضایی:

همان‌گونه که در بخش تحلیل مقوله‌ی «مبانی» و فصل «مبانی و ادبیات نظری» عنوان گردید، از عدالت و عدالت فضایی تعاریف متعددی و از منظرهای مختلف ارائه گردیده است. با نظر به رویکرد درون‌دینی حاکم بر پژوهش حاضر، مطابق بررسی‌ها و تحلیل‌های اولیه‌ی صورت گرفته بر روی مفاهیم مقوله‌ی «مبانی»، تعریف زیر از عدالت ارائه گردید: عدالت عبارت است از:

«احقاق حق» از طریق «گذاردن هر چیز در جای خود».

این تعریف محور اصلی نظریه‌ی عدالت از منظر دین اسلام می‌باشد. تعریف فوق یک تعریف مفهومی و عملیاتی کلان می‌باشد که تقریباً تمامی شقوق و انواع عدالت، از جمله عدالت اجتماعی و فضایی را نیز شامل می‌گردد؛ منتهی جهت تقویت بعد عملیاتی این تعریف و در ادامه، جهت ارائه‌ی تعریف اختصاصی از «عدالت فضایی»، می‌توان از نتایج تحلیل‌های صورت‌گرفته بر روی سایر مقولات استخراج‌شده، از جمله مقوله‌ی «اصول» نیز بهره برد.

با ورود مفاهیم اصلی مقوله‌ی اصول عدالت اجتماعی و فضایی به تعریف فوق می‌توان تعریف عدالت اجتماعی و فضایی را به شکل زیر تکمیل کرد:

عدالت اجتماعی و فضایی عبارت است از:

«احقاق حق» از طریق «گذاردن هر چیز در جای خود» بر مبنای «تساوی»، «انتفاع همگانی» و «دسترسی

برابر» در «حقوق عمومی» و «عدم تساوی» در «حقوق اکتسابی».

با اعمال مقوله‌ی اصول، تعریف فوق یک سطح دیگر عملیاتی‌تر، دقیق‌تر، و به مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی نزدیک‌تر گردیده است. جهت ارائه‌ی دقیق‌تر تعریف عدالت فضایی، باید مفاهیم اختصاصی این نوع از عدالت جهت تخصیص تعریف به بعد فضایی آن در تعریف وارد گردد. در همین راستا، با نظر به بررسی‌های صورت گرفته در بخش تحلیل مقولات و فصل «مبانی و ادبیات نظری تحقیق»، مفهوم اصلی مربوط به موضوع عدالت فضایی، مفهوم «توزیع خدمات و منابع» می‌باشد. «خدمات و منابع» شامل تمامی امکانات، تسهیلات، بر خورداری‌ها و منابعی می‌گردد که قابلیت توزیع فضایی را داشته باشد. سطح و زمینه‌ی توزیع نیز «فضای سکونتگاه‌های انسانی» از جمله شهر و روستا و منطقه می‌باشد. هدف توزیع نیز، رساندن خدمات و منابع به دست «شهروندان» می‌باشد.

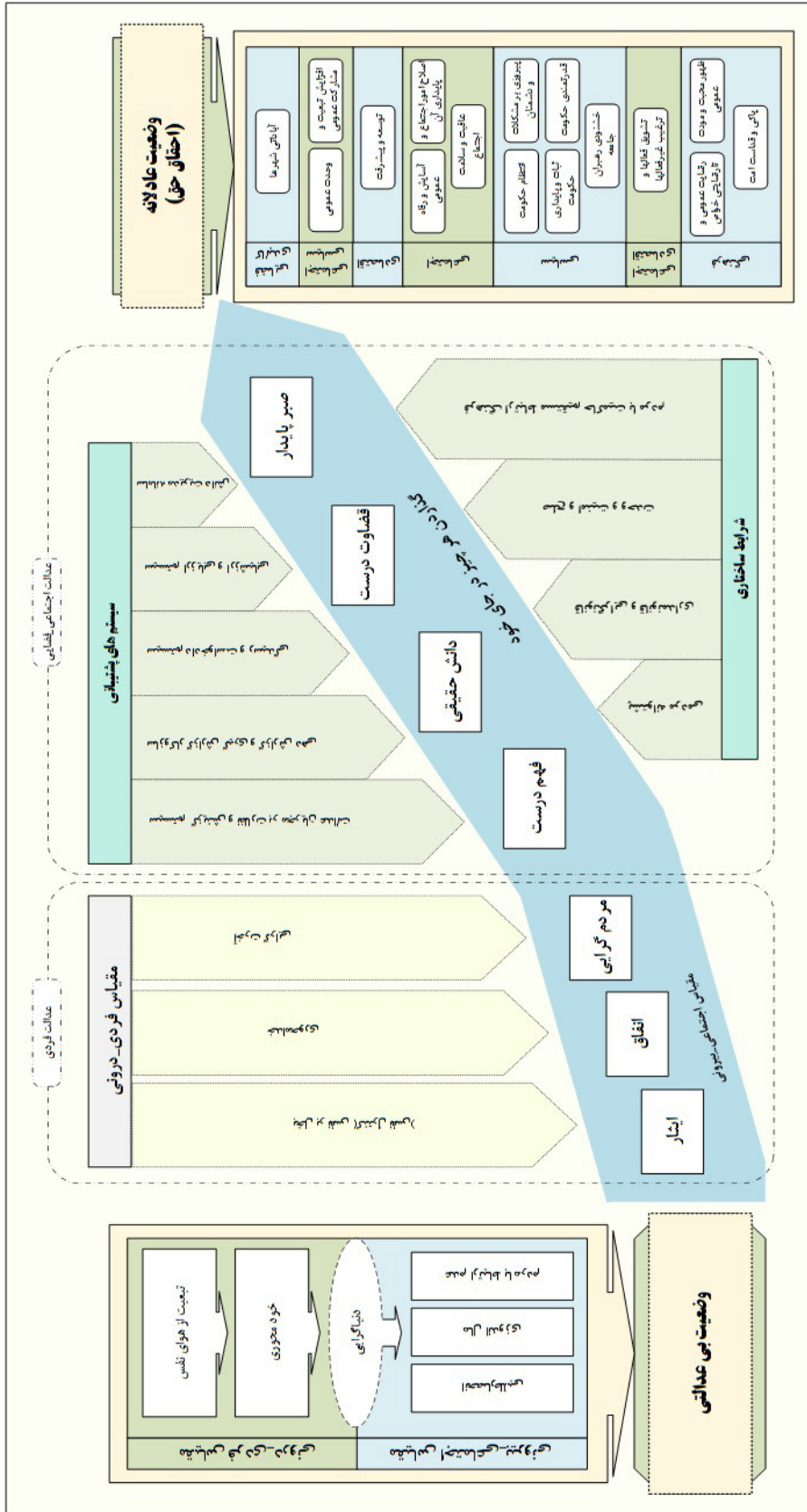
با نظر به مباحث فوق، با اعمال مفاهیم اصلی عدالت فضایی از قبیل «توزیع خدمات و منابع»، «فضای سکونتگاه‌های انسانی» و «شهروندان»؛ در تعریف عدالت، می‌توان تعریف عدالت اجتماعی و فضایی را به شکل زیر عنوان کرد: عدالت اجتماعی و فضایی عبارت است از:

«احقاق حق» شهروندان در زمینه‌ی توزیع خدمات و منابع، از طریق «گذاردن هر چیز در جای خود» بر مبنای «تساوی»، «انتفاع همگانی» و «دسترسی برابر» در «حقوق عمومی» و «عدم تساوی» در «حقوق اکتسابی» در فضای سکونتگاه‌های انسانی.

ب) مدل بنیادی تحقق عدالت اجتماعی و فضایی

این مدل مفهومی، نتیجه‌ی شناسایی ارتباط مفاهیم مقوله‌های مختلف بنیادی با یکدیگر می‌باشد که از تلفیق مدل‌های ارائه شده در تحلیل مقوله‌های مبانی، پیامدها و الزامات اجرایی و کشف روابط بین آن‌ها به دست آمده است (تصویر ۱۹).





تصویر ۲۰. مدل ارتباط عناصر مبانی، اصول و معیارهای عدالت فضایی



پی‌نوشت

زوجی کدها با یکدیگر، کدهای حاصل از هر مرحله با فراوانی تجمعی مفاهیم حاصل از مراحل قبل نیز مقایسه شده است. از طرف دیگر، معمولاً در مقایسه‌های زوجی معمول به عنوان نمونه وقتی کد a با کد b مقایسه می‌شود، مجدداً کد b با کد a مقایسه نمی‌گردد؛ ولی در پژوهش حاضر با نظر به ماهیت روش انتخابی مقایسه‌های مجدد نیز صورت گرفته است. بر همین اساس از رابطه‌ی عنوان شده جهت نشان دادن حجم مقایسات بهره گرفته شده است. عبارت‌های رابطه عنوان شده به شرح ذیل می‌باشد: P : تعداد مقایسه‌های زوجی؛ Π_{ci} : تعداد کدها در هر مرحله؛ Π_{ci} : فراوانی تجمعی مفاهیم مرحله قبل.

۱۸. لازم به ذکر می‌باشد که بخشی از خروجی‌های پژوهش حاضر عبارت است از دستیابی به دو مدل نظریه‌ای کلان با عناوین «مدل بنیادین عدالت اجتماعی-فضایی» و «مدل استراتژیک پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و فضایی» و یک مدل کمی با عنوان «شاخص عدالت فضایی (Sj)» در زمینه سنجش میزان عدالت فضایی در سطوح شهری و منطقه‌ای؛ که خروجی مربوط به مدل استراتژیک، سابقاً در قالب مقاله‌ای با عنوان «مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام» در فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی، شماره ۶ به چاپ رسیده است.

۱۹. فارغ از قید زمان و مکان
۲۰. Criterion

۱. Massignon
۲. Marçais, W.
۳. Marçais, G.
۴. Le Tourneau.
۵. Paye.
۶. Brunschvig
۷. Lapidus I
۸. Abu-Lughod
۹. Raymond

۱۰. جهت اطلاع از «انواع رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی» به مقاله (عمران زاده و دیگران ۱۳۹۴) مراجعه شود.
۱۱. جهت اطلاع از «انواع رویکردهای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی» به مقاله (شکرانی ۱۳۸۷، ۲۴۲-۲۴۴) مراجعه شود.
۱۲. جهت اطلاع از «انواع رویکردهای تولید علم دینی» به کتاب (باقری ۱۳۸۲، ۲۵۰) مراجعه شود.
۱۳. Grounded Theory
۱۴. Grounded Theory
۱۵. Systematic
۱۶. Induction
۱۷. معمولاً از رابطه‌ی $p = \frac{n(n-1)}{2}$ جهت تعیین حجم مقایسه‌های زوجی استفاده می‌شود. منتهی در این پژوهش علاوه بر مقایسه‌ی

منابع

۱. اشتراوس، آ.، و ج. کوربین. ۱۳۹۰. اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌بنیایی (رویه‌ها و روش‌ها). ترجمه‌ی ب. محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اصغری، ع. ۱۳۸۶. اصول تربیت. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۳. باقری، خ. ۱۳۸۲. هویت علم دینی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بهروان، ح. ۱۳۸۵. آمایش فرهنگی و عدالت شهری در مناطق دوازده‌گانه شهرداری مشهد. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. پورجعفر، م.، ع. پورجعفر، و س. صفدری. ۱۳۹۴. انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی-اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۳ (۳): ۱۹-۳.
۶. جوان، ج.، و ع. عبداللهی. ۱۳۸۷. عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیه کلان‌شهر مشهد). ژئوپلیتیک ۴ (۲): ۱۷۵-۱۵۷.
۷. حکیم، ب. س. ۱۳۸۱. شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه‌ی م. ح. ملک احمدی، و ع. اقوامی مقدم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. خاکپور، ب. ۱۳۸۵. سنجش سطح برخورداری مناطق شهر مشهد از نظر امکانات و خدمات فرهنگی با استفاده از مدل موریس. در مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ص. ۵۸۵-۶۰۲. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. خاکی، غ. ۱۳۷۸. روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۱۰. داداش‌پور، ه.، و ف. رستمی. ۱۳۹۰. سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای (۱۰): ۱-۲۲.
۱۱. دانایی‌فرد، ح.، و ن. و مومنی. ۱۳۸۷. تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع) (استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی).



- مطالعات انقلاب اسلامی ۴ (۱۴): ۷۵-۱۱۰.
۱۲. رهنما، م.، و ج. ذبیحی. ۱۳۹۰. تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسي در مشهد. جغرافیا و توسعه ۹ (۲۳): ۵-۲۶.
۱۳. شکرانی، ر. ۱۳۸۷. مهندسی فرهنگ اسلامی در مولفه ها و ویژگی های شهر اسلامی. در مجموعه مقالات نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، ص. ۲۳۷-۲۶۲. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۴. ضرابی، ا.، و م. موسوی. ۱۳۸۹. تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد. تحقیقات جغرافیایی ۲۵ (۹۷): ۲۷-۴۶.
۱۵. مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۱۳۸۰. بررسی نظری و روش شناسی شاخص ها. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون نظارت.
۱۶. عمرانزاده، ب. ۱۳۹۴. تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. عمرانزاده، ب. ۱۳۹۷. مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام. تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی (۶): ۷-۳۳.
۱۸. عمرانزاده، ب.، و ک. زیاری. ۱۳۹۴. تبیین شرایط و مقدمات تحقق شهر اسلامی. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری ایرانی اسلامی (سیمای دیروز - چشم انداز فردا). صص. ۱۰۳۷-۱۰۴۶. شیراز: شهرداری شیراز.
۱۹. عمرانزاده، ب.، ک. زیاری، ا. پوراحمد، و ح. حاتمی نژاد. ۱۳۹۳. بررسی آسیب شناسانه ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. جغرافیا (۴۲): ۷-۲۴.
۲۰. عمرانزاده، ب.، ک. زیاری، ا. پوراحمد، و ح. حاتمی نژاد. ۱۳۹۳. بررسی و تحلیل رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی: ۷۱-۷۰.
۲۱. عمید، ح. ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
۲۲. فرامرز قراملکی، ا. ۱۳۸۵. روش شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۳. فلیک، ا. ۱۳۹۰. درآمدی بر روش تحقیق کیفی. ترجمه ه. جلیلی. تهران: نی.
۲۴. کامران، ح.، ط. پریزادی، و ح. حسینی امینی. ۱۳۸۹. سطح بندی خدمات شهری در مناطق کلانشهر تهران. جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای (۱۱): ۱۴۷-۱۶۴.
۲۵. مرصوصی، ن. ۱۳۸۲. تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران (مطالعه موردی شهرداری تهران). پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۶. معین، م. ۱۳۶۳. فرهنگ لغت. تهران: امیرکبیر.
۲۷. منصوریان، ی. ۱۳۸۶. گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟. در ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی.
۲۸. نقره کار، ع.، ف. مظفر، و س. نقره کار. ۱۳۸۹. مدلسازی، روشی مفید برای پژوهش های میان رشته ای. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران (۱): ۱۲۹-۱۳۸.
۲۹. نقره کار، ع. ۱۳۹۵. نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرانظریه سلام. پژوهش های معماری اسلامی ۴ (۳): ۱-۲۱.
۳۰. نقی زاده، م. ۱۳۹۴. آموزه های قرآنی و شهر آرمانی اسلام. پژوهش های معماری اسلامی ۳ (۳): ۴۶-۶۴.
۳۱. وارثی، ح.، ص. قائدرحمتی، و ا. باستانی فر. ۱۳۸۶. بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: شهر اصفهان. جغرافیا و توسعه (۹): ۹۱-۱۰۶.

References

1. Abu-Lughod, J. 1987. The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies* (19): 155-176.
2. Amid, H. 1992. *Amid's Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir.
3. Asghari, A. 2007. *Principles of Education*. Tehran: Parents and Teachers Association.
4. Bagheri, Kh. 2003. *The Identity of Religious Science*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
5. Behrvan, H. 2006. *Cultural Study and Urban Justice in Twelve Districts of Mashhad Municipality*. In *Proceedings of the Urban Planning and Management Conference*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
6. Brunshvig, R. 1947. *Urbanisme Médiéval et Droit Musulman*. *Revue des Etudes Islamiques*: 127-155.
7. Dadashpour, H., and F. Roštami. 2011. *Measurement of Integrated Index of Spatial Justice in the Distribution of Urban Public Services Based on Population Distribution, Accessibility and Efficiency in Yasuj*



- City. *Urban and Regional Studies and Researches* (10): 1-22.
8. Danai Fard, H., and N. Momeni. 2008. Effective Leadership Theory from the Perspective of Imam Ali (as) (Textual Foundation Data Theory Strategy). *Islamic Revolution Studies* 4 (14): 75-110.
 9. Expediency Council Secretariat. 2011. *Theoretical Review and Methodology of Indicators*. Tehran: Expediency Council Secretariat.
 10. Faramarz gharamelki, A. 2006. *Methodology of Religious Studies*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
 11. Flick, A. 2011. *Introduction to Qualitative Research Method*. Translated by H. Jalili. Tehran: Ney.
 12. Hakim, B. S. 2002. *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. Translated by M. H. Malek Ahmadi and A. Oohani Moghadam. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
 13. Javan, J., and A. xAbdollahi. 2008. Spatial Justice in Urban Dual Spaces (Geopolitical Explanation of Patterns of Disequilibrium in Slum Settlements of Mashhad). *Geopolitics* 4 (2): 131-156
 14. Kamran, H., T. Parizadi, and H. Hosseini Amini. 2010. Grading of Urban Services in Kalalanshahr Areas of Tehran. *Geography and Regional Planning* 1 (1): 147-164.
 15. Khaki, G. 1999. *Research Method with an Approach to Thesis Writing*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education.
 16. Khakpour, B. 2006. Measuring the Level of Enjoyment of Mashhad City Areas in Terms of Cultural Facilities and Services Using the Morris Model. In *Proceedings of the Urban Planning and Management Conference*, pp. 585-602. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
 17. Lapidus, I. 1967. *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: University of Cambridge.
 18. Lapidus, I. 1973. The Evolution of Muslim Urban Society. *Comparative Studies in Society and Mstory* (15): 21-50.
 19. Le Tourneau, R., and L. Paye. 1935. *La corporation des tanneurs et l'industrie de la tannerie à Fès.*, Hespéris. 21.
 20. Mansourian, Y. 2007. What is Grounded Theory And What Is Its Application? Special Issue of Information Science and information Society Conference.
 21. Marçais, G. 1937. *Tunis et Kairouan*. Paris.
 22. Marçais, W. 1928. L'Islamisme et la vie urbaine. *Comptes rendus de L'Académie des Inscriptions et Belles Lettres*: 86-100.
 23. Massignon, L. 1920. Les corps de métiers et la cité islamique. *Revue Internationale de Sociologie* .
 24. Moin, M. 1984. *Dictionary*. Tehran: Amir Kabir.
 25. Morsoosi, N. 2003. *Spatial Analysis of Social Justice in Tehran (Case Study of Tehran Municipality)*. Dissertation of the Doctoral Course in Urban Planning Geography, Tarbiat Modares University, Tehran.
 26. Naghizadeh, M. 2015. The Quranic Teaching and the Ideal Islamic City. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 3 (3) :46-64
 27. Noghrehkar A. 2016. The Interrelation Between Islam and Human Processes Theory of (Salam). *Journal of Researches in Islamic Architecture* 4 (3) :4-21
 28. Noghrehkar, A., F. Mozafar, and S. Noghrehkar. 2010. Modeling, A Useful Method for Interdisciplinary Research. *Scientific-Research Journal of the Scientific Association of Architecture and Urban Planning of Iran* (1): 129-138.
 29. Omranzadeh, B. 2014. *Explanation of Spatial Justice in the Ideal City of Islam*. Tehran: University of Tehran.
 30. Omranzadeh, B. 2017. Strategic Model of Social and Spatial Justice in the Ideal City of Islam. *Islamic Humanities Applied Research* (6): 7-33.
 31. Omranzadeh, B., and Ziari, K. 2014. Explanation of the Conditions and Prerequisites for the Realization of the Islamic City. In *Proceedings of the First National Iranian Islamic Architecture Conference (Yesterday's Vision - Tomorrow's Vision)*, pp. 1037-1046. Shiraz: Shiraz Municipality.
 32. Omranzadeh, B., K. Ziyari, A. Pourahmad, and H. Hataminejad. 2013. Pathological Examination of the Flaws Governing Islamic City Studies. *Geography* (42): 7-24.
 33. Omranzadeh, B., K. Ziyari, A. Pourahmad, and H. Hataminjad. 2013. Reviewing and Analyzing the Approaches Governing Islamic City Studies. *Iranian Islamic City Studies*: 70-71.
 34. Pourjafar, M R, A. Pourjafar, and S. Safdari. 2015. Various Types of Islamic City and Pointing Out to





- Defining the Major Aspects of Ideal Islamic City. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 3 (3) :1-17
35. Rahnama, M., and J. Zabihi. 2011. Analyzing the Distribution of Urban Public Facilities in the Direction of Spatial Justice with Integrated Access Model in Mashhad. *Geography and Development* 9 (23): 5-26.
36. Raymond, A. 2008. The Spatial Organization of the City. In s. k. Jayyusi, R. Holod, A. Petruccioli, and A. Raymond, *The City in the Islamic World* (pp. 47-70). Leiden: Brill.
37. Shokrani, R. 2008. Islamic Culture Engineering in the Components and Features of the Islamic City. In *Proceedings of the First Islamic Utopia conference*, pp. 237-262. Isfahan: University of Isfahan.
38. Strauss, A., and J. Corbin, 2011. *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory (Procedures and Methods)*. Translated by B. Mohammadi. Tehran: Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
39. Varesi, H., S. Qaid Rahmati, and A. Bastanifar. 2007. Investigating the Effects of Urban Service Distribution on Population Spatial Imbalance, Case Study: Isfahan City. *Geography and Development* (9): 91-106.
40. Zarrabi, A., and M. Mousavi. 2010. Spatial Analysis of Population Distribution and Distribution of Services in Urban Areas of Yazd. *Geographical Research* 25 (97): 27-46.

